



## ۱. مقدمه و بیان مسئله

نسل جوان یک کشور، اصلی‌ترین نیروی انسانی و سرمایه آن کشور است. با توجه به گسترده‌ی جمعیت جوانان در هرم جمعیتی کشور، اهمیت این گروه به عنوان جمعیت پویا و فعال کشور و تأثیر آن بر بخش‌ها و سیاست‌های مختلف غیرقابل انکار است. بر این پایه، توجه به سلامت جوانان و جلوگیری از گرایش آن‌ها به رفتارهای پرخطر اهمیت دارد و برای به خطر نیفتادن این گروه و در پی آن به خطر نیفتادن جامعه، نیازمند بررسی است. دانشجویان بخش مهم و گسترده‌ای از گروه جوانان کشور و از مؤثرترین افراد برای آینده کشور هستند. از این رو توجه به ایشان و جلوگیری از گرایش این گروه به انحرافات اجتماعی از جمله استعمال دخانیات، ارزشی دوچندان دارد.

میانگین جهانی مرگ و میر افراد بالای ۳۰ سال بر اثر مصرف دخانیات، ۱۲ درصد است (سایت واحد اروپایی سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۷). این آمار نشان می‌دهد این رفتار پرخطر می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تحمیل هزینه‌های چشمگیر مادی و معنوی مرتبط با سلامت، همچون هزینه‌های سنگین بیمه درمان، اتلاف زمان افراد و همچنین از عوامل تأثیر منفی بر فرهنگ باشد. مصرف دخانیات به عنوان یک مشکل بهداشت عمومی در سطح جهان مطرح است و از جمله علل قابل پیشگیری مرگ و بیماری است؛ زیرا مصرف دخانیات با مشکلاتی همانند اختلالات روانی، فرار از منزل، پرخاشگری، خشونت در رفتارهای اجتماعی، بزهکاری، اقدام به خودکشی، افت تحصیلی و بی‌علاقگی به تحصیل و فحشا ارتباط قوی دارد (کوپر، ۲۰۰۲).

در ایران نیز سالیانه مرگ ۵۰ هزار نفر و بستری شدن ۵۰۰ هزار نفر بر اثر مصرف دخانیات ثبت شده است. از ۷۹ میلیون نفر جمعیت کشور، نزدیک به ۸ میلیون نفر به نوعی استعمال‌کننده مواد دخانی محسوب می‌شوند (سایت دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶).

در ایران مصرف سیگار به خصوص در میان دانشجویان، رو به افزایش است. این مسئله به عنوان یک آسیب فرهنگی و اجتماعی، سلامت جوانان را مورد تهدید قرار خواهد داد (ایسنا، ۱۳۹۶). عواملی همچون در دسترس بودن، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، بیکاری، عوامل خانوادگی، زمینه‌های خانوادگی، ستیز والدین، مُد بودن، فشار اجتماعی و عوامل فردی را می‌توان از جمله علل مصرف دخانیات دانست. دخانیات با بیماری‌های قلب و عروق، بیماری‌های مغز و اعصاب، بیماری‌های تنفسی و گوارشی و انواع سرطان‌ها مرتبط است و افزون بر زیان‌های جسمی، سلامت روانی افراد را هم به مخاطره می‌اندازد. تقریباً تمامی مطالعات صورت‌گرفته درباره معتادان به انواع مواد مخدر و رفتارهای پرخطر، بیانگر آن است که این گروه در آغاز سیگاری بوده‌اند. به همین دلیل سیگار به عنوان دروازه ورود به اعتیاد و رفتارهای پرخطر خوانده می‌شود (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۵).

بر پایه گزارش‌ها، میزان مصرف دخانیات در ایران برای مردان ۲۵/۲ درصد و برای زنان ۴ درصد گزارش شده است (سایت دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶). تحقیق کولینس (۲۰۰۹)، نشان داد ۹۰ درصد از دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا که در هنگام تحصیل سیگار استعمال می‌کردند، پس از پایان تحصیل نتوانسته‌اند

آن را کنار بگذارند. در ایران این رفتار به ویژه در محیط‌های رسمی و دولتی، عملی نابهنجار و نوعی مقابله با فرهنگ معیار محسوب می‌شود و به همین دلیل استعمال دخانیات در دانشگاه خوارزمی، به عنوان یک آسیب اجتماعی در نظر گرفته شده است.

مطالعه حاضر با هدف بررسی علل مصرف دخانیات در بین دانشجویان دانشگاه خوارزمی انجام می‌گیرد و نتایج آن می‌تواند در راستای اتخاذ تدابیری برای کاهش استعمال دخانیات در بین دانشجویان، مورد استفاده بخش‌ها و سازمان‌هایی همچون معاونت فرهنگی دانشگاه، مرکز مشاوره دانشگاه و مراکز سیاست‌گذاری فرهنگی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار گیرد.

### پیشینه تحقیق

برخی از تحقیقاتی که در این زمینه در داخل و خارج از کشور انجام گرفته است، به قرار زیر است: در پژوهش حبیب پورگتابی (۱۳۹۸) با عنوان «انگاره مصرف دخانیات در بین نمونه‌ای از شهروندان تهرانی»، عوامل چندگانه فرهنگی (فرهنگ غلط فراموشی مشکلات به ویژه در بزرگسالان، کم/ناآگاهی از خطرات استعمال دخانیات)، اجتماعی (فشار اجتماعی، مذبودن)، روانی (رفع خستگی، دوری از غم و غصه، اعتیادآوری دخانیات، رفع استرس، احساس بزرگی و شخصیت) و فردی (تجربه کردن، جذابیت بیشتر) شناسایی شده است. نتایج وی بر آن دلالت دارد که مصرف دخانیات در گروه‌های اجتماعی مختلف از انگاره یکسانی تبعیت نکرده است و به شرایط فردی، بینافردی، خانوادگی و ساختاری بستگی دارد.

رحیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با نام «بررسی فراوانی مصرف و علل گرایش به مصرف سیگار و قلیان در بین دانشجویان پسر و دختر تربیت‌بدنی دانشگاه کردستان»، به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین دلایل بالابودن مصرف سیگار و قلیان در این مطالعه در گروه پسران، ارتباط صمیمانه با دوستان سیگاری و در گروه دختران، تفریح و سرگرمی بود.

افراسیابی و مداحی (۱۳۹۵) در خلال «مطالعه کیفی زمینه‌های اجتماعی مصرف سیگار در میان دانشجویان خوابگاه پسران دانشگاه یزد»، دریافتند که مشکلات خانوادگی زمینه‌ساز، نمادی برای غم و اعتراض، ترم اول به عنوان ترمی مخاطره‌آمیز، فشار هنجاری، شرایط زمینه‌ساز خوابگاه، خودنمایی و تمایزخواهی، مخاطره واکنش منفی و طرد و به حاشیه رفتن درس، جزو مهم‌ترین بسترهای تسهیل‌کننده مصرف سیگار در میان دانشجویان است.

در پژوهش رضاخانی مقدم و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان «بررسی شیوع و علل گرایش به مصرف سیگار و قلیان در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰»، فراوانی مصرف سیگار و قلیان در دانشجویان به ترتیب ۲۲ درصد و ۲۳ درصد بوده و اصلی‌ترین علت مصرف سیگار و قلیان، تفریح و سرگرمی ذکر شده است.

در پژوهش افراسیابی و همکاران (۱۳۹۴) تحت عنوان «شناسایی و تبیین عوامل خوابگاهی در اعتیاد به سیگار دانشجویان»، مشخص شد اعتیاد به سیگار در بین دانشجویان (در مجتمع‌های خوابگاهی

پسرانه دانشگاه یزد) به صورت جدی در حال شیوع است. مطابق یافته‌های این تحقیق، دلایل مختلفی باعث می‌شود دانشجویان به مصرف سیگار تمایل پیدا کنند که جدایی و دوری دانشجویان از خانواده و محل زندگی خود و حضور در خوابگاه‌های دانشجویی، یکی از دلایل آن است.

مارش و همکاران (۲۰۲۱) به دنبال شناسایی ارتباط بین تراکم و مجاورت مراکز خرده‌فروشی توتون و تنباکو با سیگارکشیدن، به این نتیجه رسیدند که بین خروجی خرده‌فروشی دخانیات و رفتارهای سیگار کشیدن جوانان با تراکم در نزدیکی خانه جوانان، ارتباط وجود دارد.

مطالعه بیون (۲۰۱۵) با جمعیتی بالغ بر ۶۴۸۹ نفر از دانش آموزان متوسطه (۱۸-۱۳ ساله) در کره جنوبی، نشان داد نوجوانانی که بیش از ۵ سیگار در روز مصرف می‌کنند، ۱/۵ برابر بیشتر از نوجوانی که از این تعداد کمتر سیگار می‌کشند افسردگی دارند.

تحقیقات اید و همکاران (۲۰۱۵)، حاکی از آن است که حدود ۲۸/۵ درصد دانشجویان پسر و حدود ۹ درصد دختران سیگار مصرف می‌کردند و در نتیجه تعداد سیگاری‌ها در بین دانشجویان پسر نسبت به دانشجویان دختر بیشتر بوده است. عواملی چون فراهم بودن شرایط و در دسترس بودن سیگار، مصرف تفریحی سیگار و سیگاری بودن پدر، از عوامل مهم شیوع مصرف سیگار در میان دانشجویان شناخته می‌شود.

بر اساس پژوهش لیپولی و همکاران (۲۰۱۲)، والدینی که از دانش و آگاهی کافی در زمینه ارتباط با نوجوانان برخوردارند، فرزندانشان کمتر به رفتارهای پرخطر گرایش پیدا خواهند کرد. نوجوانانی که به سمت رفتارهای پرخطر همچون اعتیاد گرایش پیدا می‌کنند، به‌طور معمول این رفتار و دانش این رفتار را از دوستان خود و نه از والدینشان فرامی‌گیرند.

به‌طور کلی می‌توان جنبه‌های تفاوت پژوهش حاضر، با پژوهش‌های قبلی را ناشی از نگاه چندجانبه این پژوهش در مورد علل گرایش دانشجویان به استعمال دخانیات با تأکید بر عوامل اجتماعی و محیطی دانست؛ چراکه عموم کارهای صورت گرفته، این موضوع را به صورت جزئی و تک‌بعدی مورد بررسی قرار داده‌اند. افزون بر آن در پژوهش‌های پیشین اغلب به یک مورد از انواع استعمال مواد دخانی و معمولاً به استعمال سیگار پرداخته شده است، در حالی که در این پژوهش دخانیات به معنای عام مورد بررسی قرار گرفته و همه نوع مواد دخانی را شامل می‌شود.

## ۲. چهارچوب نظری

مسائل و پدیده‌های اجتماعی علل و عوامل گوناگونی دارند، از این رو نمی‌توان آن‌ها را به صورت تک‌عاملی بررسی کرد. به همین دلیل در این پژوهش از انگاره‌های متنوعی درباره علل استعمال دخانیات استفاده شده است و در بررسی این پدیده اجتماعی در دانشگاه خوارزمی، کوشش بر آن بوده تا به همه جوانب موضوع توجه شود.

یکی از نظریه‌هایی که در اینجا مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، «نظریه کج‌رفتاری» رابرت مرتن است. مرتن از لحاظ بینش جامعه‌شناختی و دیدگاه نظری، به جامعه‌شناسی نظم و کارکردگرایی

نزدیک‌تر است (مرتین، ۱۹۶۸: ۱۰۴). او با این بینش و ازلحاظ هستی‌شناسی، جامعه را نظامی دربردارنده مجموعه‌ای از عناصر ساختاری چون فرهنگ و ساختارهای اجتماعی در نظر می‌گیرد که در تعامل و هماهنگی با یکدیگر و با محیط و با ایفای کارکردهای مربوط به خود امکان تطابق نظام اجتماعی و سازگاری افراد را با محیط خویش فراهم می‌سازند. در چنین دیدگاهی، الگوی رفتاری افراد، از جمله شیوه سازگاری یا تطابق آنان با محیط، تابعی از شرایط و فرصت‌هایی است که جامعه برای آنان فراهم می‌کند (مرتین، ۱۹۷۶: ۲۴۰). منظور از فرصت‌ها، شیوه‌های پذیرفتنی است که توسط ساختار فرهنگی برای رسیدن به اهداف، تعیین و تنظیم می‌شود (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸). در نهایت، هنگامی که راه‌ها یا وسایل مشروع به منظور دست‌یابی به اهداف و موفقیت برای افراد جامعه محدود باشد، تنش ساختی در آن‌ها به وجود می‌آید (ترنر، ۱۳۸۷).

نظریه دوم که می‌توان برای بازگفت این مسئله به کار گرفت، «نظریه محرومیت نسبی» است. مفهوم محرومیت نسبی توسط جو دیس بلاو و پیتر بلاو مطرح شده است. آن‌ها مفاهیمی را از تئوری آنومی با مفاهیمی که در مدل‌های بی‌سازمانی اجتماعی یافت شده است، ترکیب کرده‌اند. به باور ایشان، افراد طبقات پایین ممکن است هنگام مقایسه شرایط زندگی خود با افراد ثروتمند، احساس محرومیت نمایند. این احساس محرومیت، منجر به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی می‌شود و عدم اعتماد را در آن‌ها پرورش می‌دهد. در نتیجه شانس پیشرفت آن‌ها از راه معیارهای مشروع مسدود می‌گردد و احساس ناتوانی را به وجود می‌آورد که دشمنی و پرخاشگری و سرانجام خشونت و جرم را به دنبال خواهد داشت (سیگل، ۲۰۰۱).

کوهن نیز معتقد است افراد طبقه پایین، اهداف طبقه متوسط را می‌پذیرند؛ ولی توانایی رسیدن به این اهداف را از طریق ابزارهایی که از سوی جامعه مقبول است، ندارند. از آنجاکه این افراد بر اساس ملاک سنجش طبقه متوسط قضاوت می‌شوند، از منزلتی که هنگامی طبقه متوسط آن را مطلوب می‌داند، احساس محرومیت می‌نمایند. به عبارت دیگر، رفتار بزهکارانه، مجموعه جدیدی از هنجارها را آماده می‌کند که می‌تواند افراد طبقه پایین جامعه را برای خرابکاری و اعمال خشونت‌آمیز در برابر مظاهر طبقه متوسط تحریک کند (احمدی، ۱۳۷۷).

دیگر نظریه قابل استفاده، «نظریه پیوند افتراقی» است. این دیدگاه بر این نکته تأکید دارد که نزدیکان و همسالانی که بزهکار باشند، تأثیر زیادی بر پدیدآوری و تقویت نگرش بزهکاری می‌گذارند و فرد را به سوی بزهکاری سوق می‌دهند. نظریه پیوند افتراقی، محتوای اجتماعی بزهکاری را در نظر دارد و فرد بزهکار را در جایگاه اجتماعی او از حیث رابطه‌اش با خانواده، محله، رفقا و مصاحبان در نظر می‌گیرد (مشکانی، ۱۳۸۱).

ساترلند درباره چگونگی انتقال فرهنگی کج‌روی، اظهار می‌دارد که کج‌روی در جریان ارتباطات اجتماعی حاصل می‌شود (فروغ‌الدین عدل، ۱۳۸۳). بر پایه این رویکرد، عمل مجرمان آموختنی است، نه موروثی؛ یعنی تا فرد آن را نیاموزد به فکر انجام دادن آن نمی‌افتد. آموزش از راه ارتباط فرد با دیگر افراد صورت می‌گیرد و عموماً به صورت شفاهی و به یاری کلمات است و فقط در برخی موارد

ممکن است از طریق حرکات چهره و قیافه انجام گیرد. کسب انگیزه‌ها و میل به ابراز کشش‌های درونی آموختنی است. بخش بزرگ آموزش رفتار بزهکارانه، در گروه‌های نزدیک که با فرد روابط صمیمانه دارند انجام می‌گیرد. هنگامی فرد به کار بزهکارانه دست می‌زند که آمیزش او با کسانی که موافق شکستن قاعده‌اند، بیشتر باشد.

بر اساس این نظریه، روابط فرد با دیگران هنگامی که به مسئله جرم ارتباطی ندارد و تا زمانی که با کار جرم‌آمیز پیوستگی نکند، اثری در ایجاد رفتار مجرمانه ندارد (سخاوت، ۱۳۸۳). البته فراوانی معاشرت از نظر دفعات وقوع، مدت زمان، ارجحیت و شدت، می‌تواند متفاوت باشد؛ یعنی میزان معاشرت فرد با افراد کج رفتار در مقابل افراد بهنجار مورد نظر است. ارجحیت با اهمیت است، از این نظر که اگر رفتار موافق رعایت قانون در کودکی آموخته شود، فرد در وضعیتی متفاوت با کسی قرار دارد که از ابتدا به عدم رعایت قانون تشویق شده است (ممتاز، ۱۳۸۱).

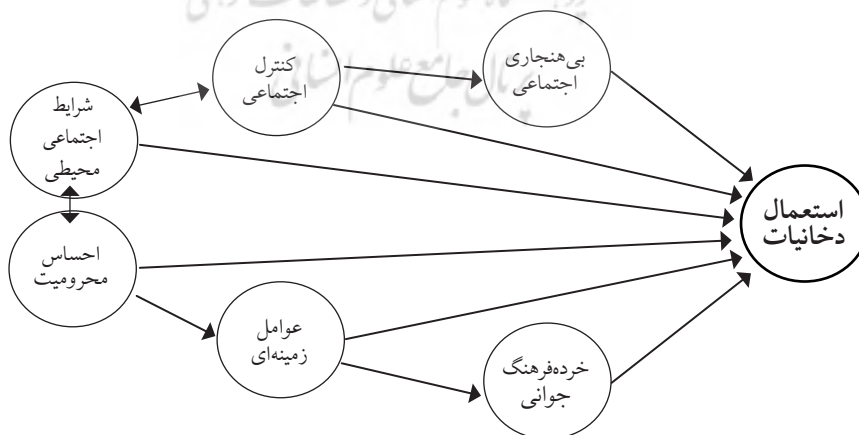
ساترلند معتقد بود انحرافات عموماً در قالب گروه‌های نخستین نظیر گروه دوستان یا خانواده آموخته می‌شود و این گروه‌ها از مأمورین و مسئولین رسمی، بسیار متنفذترند. فرآیند یادگیری رفتار بزهکارانه شامل تکنیک‌های تهبکاری، انگیزه‌ها، گرایش‌ها و دلیل تراشی‌های لازم برای آن است. بدین ترتیب، یک جوان هم می‌آموزد که چگونه با موفقیت دزدی کند و هم چگونه استدلال بیاورد تا دزدی خود را توجیه کند و برای آن عذر بتراشد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸). در ایران تحقیقات مختلفی بر اساس این دیدگاه انجام گرفته است و معاشرت با نزدیکان، همکاران و به‌ویژه دوستان معتاد و منحرف، تقلید از اطرافیان، معاشرت در محیط‌های ناسالم و گوناگون از جمله مدرسه و محیط‌های آموزشی نامطلوب از جمله عوامل اصلی اعتیاد به مواد مخدر ذکر شده است (کرم‌پور، ۱۳۷۹). البته تئوری یادگیری اجتماعی اظهار می‌کند که مردم تکنیک‌ها و رویه‌های جرم را از طریق ارتباط نزدیکی با همسالان بزهکار و مجرم یاد می‌گیرند.

در این پژوهش، همچنین از «نظریه نظارت اجتماعی» که با عنوان کنترل اجتماعی نیز به کار رفته، استفاده شده است. صاحب‌نظران نظریه نظارت اجتماعی، خانواده و سپس مدرسه را بیش از همه عامل نظارت به شمار می‌آورند و معتقدند در فرآیند اجتماعی کردن جوانان، خانواده و همسالان اهمیت خاصی دارند. به تدریج که جوانان مستقل می‌شوند، از تأثیر گروه همسالان و خانواده کاسته می‌شود و ویژگی‌های درونی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (سخاوت، ۱۳۸۳).

نظریه‌های هیبرشی و نای در این دسته قرار می‌گیرند. هیبرشی علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آن‌ها دانسته است. وی مدعی است که تعلق خاطر (پیوستگی فرد به گروه یا فرد به واسطه عاطفه، احترام و سازگاری با هنجارهای گروه)، پابندی (هم‌نوایی با جامعه برای حفظ دستاوردهای خود مثل تحصیلات و ثروت)، درگیر شدن به فعالیت‌های فیزیکی غیرمنحرفانه و اعتقاد شخصی به نظام ارزشی غالب در یک گروه مانع کج رفتاری می‌شوند (ستوده، ۱۳۸۹: ۱۶۰). نای نیز معتقد است خانواده‌هایی که پراز تشنج و اختلاف باشند، می‌توانند نقش مهمی در کج رفتاری نوجوانان ایفا کنند (خادمیان، ۱۳۸۸: ۲۰).

نهایتاً برای تبیین موضوع این نوشتار، از «نظریه خرده فرهنگ کچر» بهره‌برداری شده است. یکی از نخستین کسانی که تعریفی از خرده فرهنگ ارائه داد، رابرت بل بود. به باور او، از فرهنگ جزئی، نظام فرهنگی نسبتاً منسجمی را می‌توان فهمید که در بستر نظام کلی فرهنگ ملی، دنیای ویژه خود را داراست. اعضای چنین خرده فرهنگی از سایر افراد جامعه تا اندازه‌ای متمایز هستند (شفرز، ۱۳۸۳). هبدایچ یکی از اصحاب مکتب بیرمنگام، معتقد است آن چالشی که خرده فرهنگ‌ها علیه هژمونی بازنمایی می‌کنند مستقیماً از خود آن خرده فرهنگ‌ها نشئت نمی‌گیرد؛ بلکه آن چالش به شکلی غیرمستقیم، یعنی در سبک و سیاق انتخابی اشخاص متبلور می‌گردد. در خرده فرهنگ‌ها، کالاها به شیوه‌هایی که تولیدکنندگان آن کالاها هرگز نمی‌خواستند، با یکدیگر ترکیب می‌شوند و تغییر می‌یابند. به بیان دیگر، کالاها در پیوندهایی جدید با یکدیگر مرتبط می‌گردند تا معانی مختلفی را ایجاد کنند. از این طریق خرده فرهنگ‌های جوانان به شکل‌های نمادین هم در مقابل فرهنگ مسلط و هم در برابر فرهنگ مادری خویش مقاومت می‌ورزند (استوری، ۱۳۸۹). به زعم هبدایچ، خرده فرهنگ‌ها از طریق سبک‌های مقاومت، هویت متفاوتی را ابراز می‌کنند و نسبت به نظم اجتماعی مسلط اعتراض می‌کنند. به نظر او جوانان از طریق انواع مختلفی از سبک‌ها این مقاومت را نشان می‌دهند (هبدایچ، ۱۹۷۹).

اصطلاح خرده فرهنگ به طور کلی برای نشان دادن دسته‌ای از ارزش‌ها، گرایش‌ها، اعتقادات، سلیق و الگوهای رفتاری مورد استفاده قرار می‌گیرد که یک گروه را به نحو بسنده‌ای از جریان اصلی متمایز می‌سازد؛ اما نه آن چنان مواجه‌ای که باعث تشدید تضاد شود (علیخواه، ۱۳۹۱). بر اساس این نوع دیدگاه‌ها، خرده فرهنگ‌های متعدد موجود در جامعه، سبب ایجاد ارزش‌ها و هنجارهایی می‌شوند که به دلیل ناهمخوانی با ارزش‌های مسلط جامعه، رفتار بر اساس آن‌ها انحراف محسوب می‌شود. کوهن به عنوان یکی از ارائه‌کنندگان این نظریات، مدعی است فرزندان طبقات محروم جامعه برای جبران ناکامی خود در رقابت برای دست‌یابی به منزلت افراد متوسط، «خرده فرهنگ‌های» بزهکار تأسیس می‌کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶).



شکل ۱: مدل نظری تحقیق

در نگاه این پژوهش که با استفاده از نظریه انومی مرتن، نظریه محرومیت بلاو، نظریه پیوند افتراقی ساترلند، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و خرده فرهنگ جوانی شکل گرفته است، در استعمال دخانیات، فرد در تعامل با نهادهای اجتماعی مانند خانواده، دوستان و... است. این محیط‌های پیرامونی به واسطه ایجاد کنترل اجتماعی، احساس محرومیت در فرد، ایجاد شرایط اجتماعی و محیطی مناسب، بی‌هنجاری اجتماعی و خرده فرهنگ جوانی (به عنوان متغیرهای مستقل) با گرایش فرد به استعمال دخانیات (به عنوان متغیر وابسته) ارتباط دارند. از این رو برای بررسی این موارد، فرضیات زیر به تفکیک تنظیم شده است:

- با افزایش مشکلات و تنش در خانواده و زندگی شخصی فرد، احتمال استعمال دخانیات بیشتر می‌شود.
- هر چه احساس محرومیت و ناخشنودی از زندگی در فرد افزایش پیدا کند، احتمال استعمال دخانیات نیز افزایش پیدا می‌کند.
- بین شرایط اجتماعی و محیط مناسب با گرایش به استعمال دخانیات، رابطه مستقیم وجود دارد.
- بین خرده فرهنگ جوانی با گرایش به استعمال دخانیات در بین افراد مورد بررسی، رابطه وجود دارد.
- با کاهش تطابق و هماهنگی اهداف و روش‌های دستیابی به اهداف در جامعه، گرایش به استعمال دخانیات افزایش پیدا می‌کند.
- بین متغیرهای زمینه‌ای با گرایش به استعمال دخانیات رابطه وجود دارد.

### ۳. روش

پژوهش حاضر، تحقیقی توصیفی - تبیینی با رویکرد کمی به شمار می‌رود که به روش پیمایش انجام گرفته است. از آنجاکه هدف تحقیق پیمایشی، دستیابی به استنباط علی با مقایسه دقیق ویژگی‌های مختلف موردها است (دواس، ۱۳۸۲: ۱۵)، این تحقیق با استفاده از این روش علمی به دنبال یک استنباط علی از یک نمونه آماری است.

جامعه آماری در این پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه خوارزمی در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۷ با جمعیتی بالغ بر ۱۲ هزار نفر است. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه منتخب تحقیق ۳۸۳ نفر به دست آمد که برای اطمینان بیشتر، حجم آن به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. همچنین روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است.

برای گردآوری داده‌ها، از پرسشنامه محقق ساخته طبق طیف لیکرت استفاده شده و به منظور بررسی اعتبار پرسشنامه، از روش اعتبار صوری (با ارجاع پرسشنامه به اساتید متخصص در زمینه موضوع پژوهش) استفاده گردید. پرسشنامه شامل بخش‌های مختلف از جمله اطلاعات دموگرافیک



(سن، جنس، وضعیت تأهل، وضعیت سکونت، وضعیت اشتغال)؛ اطلاعات مربوط به مصرف مواد دخانی (اولین زمان استعمال، اولین ماده استعمال شده و نوع مصرف فعلی دخانیات) و پرسش از عوامل فرهنگی، اجتماعی و شرایط خانوادگی بود. پرسشنامه نهایی پس از تنظیم، در کلاس‌ها بین دانشجویان نمونه توزیع شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفت.

در بخش آمار استنباطی، از رگرسیون لجستیک استفاده شد. رگرسیون لجستیک به عنوان بدیلی برای روش رگرسیون خطی و همچنین تحلیل تابع تشخیصی کاربرد دارد (پنگ و سو، ۲۰۰۲: ۳۱). زمانی که متغیر وابسته در سطح اسمی است و متغیرهای مستقل هم ترتیبی و هم فاصله‌ای هستند، روش‌های رگرسیون خطی معمولی و تحلیل تشخیصی، مقدار برآوردها را کمتر از مقدار واقعی نشان می‌دهند (حبیب پور گنابی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۷۰۴). رگرسیون لجستیک، یک مدل برآورد تجربی است که ارتباط بین مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل و یک متغیر وابسته طبقه‌بندی شده را ارزیابی می‌کند (سالمن و ترنر، ۲۰۰۳: ۳).

از قابلیت‌های این مدل، می‌توان به توانایی آن در به‌کارگیری متغیرهای مستقل متعددی اشاره کرد. متغیر وابسته در این مدل، ماهیت دوجبهی (صفر و یک) دارد و متغیرهای مستقل می‌توانند به‌طور پیوسته یا گسسته و کیفی باشند. فرض پایه در این روش این است که متغیر وابسته مقدار ۱ را به دست می‌آورد. عدد ۱ نشان‌دهنده وقوع یک رویداد و ارزش صفر نشان‌دهنده عدم وقوع رویداد است.

رگرسیون لجستیک به‌طور واضح نشان می‌دهد افرادی که تحت شرایط خاصی (مثلاً پایگاه اقتصادی مناسب) هستند، با چه ضریبی در مقایسه با افرادی که در چنین شرایطی قرار ندارند معرض ابتلا به استعمال دخانیات قرار دارند. این ضریب در مدل رگرسیون لجستیک با نسبت شانس مشخص می‌شود. از این رو چون متغیر وابسته ما (استعمال دخانیات / عدم استعمال دخانیات) دوجبهی است، استعمال دخانیات با عدد ۱ و عدم استعمال دخانیات با عدد صفر نشان داده شده است. همچنین چون اغلب متغیرهای مستقل پژوهش دارای دو یا چند سطح بودند، از مدل رگرسیون لجستیک برای استنباط و تبیین نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها استفاده شد. برای تمام آزمون‌ها سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۵ و کمتر از آن در نظر گرفته شد.

#### ۴. یافته‌ها

در این بخش پاسخگویان از منظر متغیرهای زمینه‌ای توصیف می‌شوند. این متغیرها عبارت‌اند از توزیع پاسخگویان برحسب مقطع تحصیلی، جنس، رشته تحصیلی، تأهل یا مجرد، شاغل بودن یا نبودن افراد. این متغیرها، در ادامه معرفی خواهد شد.

1. Peng and So

2. Salman Mahiny & Turner

در این مطالعه از مجموع ۴۰۰ مشارکت کننده، ۷۰ درصد دانشجوی کارشناسی، ۲۷ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد و ۲ درصد دانشجوی دکتری بوده اند و ۱ درصد نیز به این سؤال پاسخ نداده اند. حدود ۸۱ درصد پاسخگویان مرد و بقیه زن بوده اند.

داده های دیگر، نشان دهنده آن است که بیشترین درصد پاسخگویی به پرسشنامه به ترتیب از میان دانشجویان رشته های علوم پایه با ۳۲/۳ درصد، علوم انسانی با ۲۸/۵ درصد، علوم فنی با ۲۸ درصد و تربیت بدنی با ۸ درصد بوده است. در خصوص متغیر سرپرستی افراد نمونه، مشخص شد که سرپرستی ۷۶/۵ درصد دانشجویان برعهده پدر، ۱۶ درصد برعهده مادر، ۳/۸ درصد برعهده خود و سایر ۳/۷ درصد است. به لحاظ اشتغال، ۲۰/۵ درصد از افراد شاغل و بقیه بیکارند. از نظر وضعیت تأهل، ۸۷/۸ درصد از پاسخ دهندگان مجرد و ۲۲/۲ درصد متأهل بوده اند. بیشتر پاسخگویان یعنی ۶۲ درصد افراد پاسخگو در رده سنی ۱۸ تا ۲۲ سال قرار داشته اند و این به دلیل تعداد بالای دانشجویان مقطع کارشناسی نسبت به دیگر مقاطع است. همچنین ۷۱/۸ درصد دانشجویان ساکن خوابگاه بوده اند.

داده ها نشان دهنده آن است که از میان ۴۰۰ پاسخگو، ۶۷/۵ درصد معادل ۲۷۰ نفر (۲۲۶ مرد، ۴۰ زن، ۴ بدون اعلام جنسیت) استعمال دخانیات دارند و ۳۲/۵ درصد معادل ۱۳۰ نفر دخانیات مصرف نمی کنند. از میان پاسخگویان مصرف کننده دخانیات، ۲۸ درصد در رشته علوم پایه، ۲۸ درصد در رشته های فنی - مهندسی، ۳۲ درصد در علوم انسانی و ۱۰ درصد در رشته تربیت بدنی تحصیل می کردند. در مجموع ۶۸ درصد پاسخگویان در دوره کارشناسی، ۲۹ درصد در مقطع کارشناسی ارشد، ۲ درصد در مقطع دکترا تحصیل می کردند و ۱/۴ درصد مقطع تحصیلی خود را ذکر نکرده اند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی دوره شروع استعمال دخانیات

درصد	تعداد	دوره زمانی شروع استعمال دخانیات
۵۳	۱۴۳	دوران دانشگاه
۴۳	۱۱۶	دوره دبیرستان
۴	۱۱	دیگر مراحل زندگی
۱۰۰	۲۷۰	جمع

۵۳ درصد از پاسخگویان پس از تحصیل در دانشگاه شروع به استعمال دخانیات کرده اند (جدول شماره ۱) و از این بین، بیشترین نوع دخانیات مصرفی در حال حاضر قلیان با ۴۳/۲ درصد است (جدول شماره ۲). اولین دخانیات مصرفی قلیان با حدود ۴۸ درصد و سپس سیگار با حدود ۴۴/۷ درصد و پیپ حدود ۵ درصد و ۲/۳ درصد سایر مواد دخانی بوده است.

جدول شماره ۲: نوع دخانیات مصرفی دانشجویان

دخانیات مصرفی	تعداد	درصد
قلیان	۱۱۷	۴۳/۲
سیگار	۱۰۵	۳۸/۸
مصرف همزمان قلیان و سیگار	۱۹	۷
پیپ	۱۶	۶
سایر مواد دخانی	۱۳	۵
جمع	۲۷۰	۱۰۰

از میان پاسخ‌گویان مصرف‌کننده، ۸۰ درصد تحت سرپرستی پدر، ۱۴ درصد تحت سرپرستی مادر و ۳/۳ درصد خودسرپرست بوده‌اند و ۱/۴ درصد سایر و ۱/۴ درصد بدون ذکر سرپرست بوده‌اند. ۸۳ درصد از این افراد مجرد و ۱۶ درصد متأهل بوده‌اند و ۹/۰ درصد هم متارکه کرده بودند. همچنین به لحاظ محل سکونت، از میان پاسخ‌گویان مصرف‌کننده دخانیات، ۷۵/۷ درصد در خوابگاه، ۱۸/۱ درصد در منزل پدری، ۵/۱ درصد با سایر افراد و ۱/۱ درصد بدون ذکر وضعیت سکونت بوده‌اند.

مقادیر نسبت شانس که شاخصی برآمده از محاسبه رگرسیون لجستیک است، نشان می‌دهد متغیرهای رشته تحصیلی، جنسیت، وضعیت سکونت و مقطع تحصیلی با گرایش به استعمال دخانیات رابطه معناداری دارند. به عنوان مثال مقدار نسبت شانس برای متغیر وضعیت سکونت، نشان می‌دهد استعمال دخانیات در دانشجویانی که در محیط خوابگاه سکونت دارند به میزان ۳/۶۷۴ برابر نسبت به دانشجویان غیرخوابگاهی بیشتر است. این وضعیت در رابطه متغیرهای جنسیت، مقطع تحصیلی، رشته تحصیلی نیز با استعمال دخانیات مشهود است. رابطه میان متغیرها در سطح کمتر از ۵/۰٪ تأیید شده است. به این معنا که از نظر مقطع تحصیلی حدود ۷۰ درصد استعمال‌کنندگان دخانیات در مقطع کارشناسی قرار دارند و شانس گرایش در این مقطع نسبت به مقاطع بعدی بیش از ۴ برابر (نسبت شانس ۴/۲۱) است.

در مورد متغیر جنسیت نیز نتایج نشان می‌دهد که ۲۰ درصد دانشجویان دختر به استعمال مواد دخانی گرایش داشته‌اند. نسبت شانس رقم ۵/۹ را نشان می‌دهد که با توجه به ویژگی‌های شخصیتی، فرهنگی و محیطی، احتمال ارتکاب مصرف دخانیات برای جنس پسر نسبت به دانشجویان دختر، بیش از ۵ برابر است. در زمینه رشته تحصیلی با توجه به نسبت شانس ۳/۲۳ مشخص شد دانشجویان علوم پایه نسبت به دیگر رشته‌ها بیش از ۳ برابر احتمال گرایش به دخانیات دارند.

با توجه به تعریف متغیرهای مطالعه، مقادیری مانند  $1/46$  برای میانگین متغیر سن، حاکی از آن است که بیشتر پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه در فاصله سنین ۱۸-۲۷ سال قرار دارند. در این پژوهش به رده سنی ۲۲-۱۸ سال مقدار ۱، به رده سنی ۲۷-۲۳ سال مقدار ۲، به رده سنی ۳۲-۲۸ سال مقدار ۳ و به رده سنی ۳۷-۳۳ سال مقدار ۴ داده شد و بقیه مقادیر نیز به همین ترتیب تعریف شده‌اند. مقدار  $1/31$  برای متغیر مقطع تحصیلی نشان می‌دهد که اکثر دانشجویان مورد مطالعه در مقطع کارشناسی در وهله دوم در مقطع کارشناسی ارشد هستند و مقدار واریانس برای این متغیر مقدار  $0/251$  خطا را در برمی‌گیرد. مقدار  $2/12$  برای میانگین متغیر رشته تحصیلی، بیان می‌کند که اکثر دانشجویان مورد مطالعه در رشته‌های تحصیلی علوم پایه و علوم انسانی مشغول به تحصیل بوده‌اند و این مقدار با خطای تقریبی ۹ درصد همراه است.

نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک تک متغیره بین متغیرهای مختلف عوامل اجتماعی و استعمال دخانیات دانشجویان دانشگاه خوارزمی (جدول شماره ۳)، نشان داد هر یک از متغیرهای عوامل اجتماعی که بالاتر رود، نسبت شانس گرایش دانشجویان به استعمال دخانیات نیز بیشتر شده است. به عبارت دیگر، در صورت وجود تنش در زندگی شخصی، احتمال گرایش به استعمال دخانیات ۶ بار بیشتر می‌شود (نسبت بخت‌ها  $6/669$ )؛ و یا درگیر مشکلات خانواده بودن، احتمال گرایش به استعمال دخانیات را ۴ بار بیشتر می‌کند (نسبت بخت‌ها  $3/874$ ). در صورت عدم احساس رضایت از زندگی، احتمال گرایش به استعمال دخانیات ۳ بار بیشتر می‌شود (نسبت بخت‌ها  $2/558$ ) و عدم رضایت از پایگاه اقتصادی احتمال گرایش به استعمال دخانیات را ۲ بار بیشتر می‌کند (نسبت بخت‌ها  $2/231$ ).

همچنین با عدم رضایت از پایگاه اجتماعی، احتمال گرایش به استعمال دخانیات ۴ بار بیشتر می‌شود ( $3/58$  نسبت بخت‌ها). با شرکت در مجالسی که استعمال دخانیات در آن برقرار است، احتمال گرایش به استعمال دخانیات در فرد  $3/5$  بار بیشتر می‌شود ( $3/50$  نسبت بخت‌ها). همچنین قرارگرفتن در جمع افراد استعمال‌کننده دخانیات، احتمال گرایش به استعمال دخانیات را بیش از دو بار بیشتر می‌کند ( $2/32$  نسبت بخت‌ها). زندگی خوابگاهی نسبت شانس و احتمال گرایش به استعمال دخانیات را بیش از  $3/5$  بار بیشتر می‌کند ( $3/67$  نسبت بخت‌ها). مورد تأیید قرارنگرفتن در گروه مورد علاقه، احتمال گرایش به استعمال دخانیات را بیش از ۲ بار بیشتر می‌کند ( $2/062$  نسبت بخت‌ها).

افرادی که به دنبال نشان دادن مخالفت خود با شرایط موجود هستند، احتمال گرایش به استعمال دخانیات برای آن‌ها دو برابر بیشتر از سایرین است که به دنبال چنین هدفی نیستند (نسبت بخت‌ها  $2/102$  است). عدم وجود راه‌های دستیابی به اهداف، احتمال گرایش به استعمال دخانیات را حدود شش بار نسبت به کسانی که راه‌های نیل به اهداف برایشان مهیاست، بیشتر می‌کند (نسبت بخت‌ها  $5/739$  است).

جدول شماره ۳: تحلیل رگرسیون لجستیک عوامل اجتماعی در استعمال دخانیات دانشجویان دانشگاه خوارزمی

S.E	ضریب بتا	d.f	Sig <sup>1</sup>	نسبت بخت	
۰/۴۳۲	۰/۴۳۳	1	0/035	6/669	تنش در زندگی شخصی
۰/۲۳۴	۰/۳۴۵	1	0/045	2/558	احساس عدم رضایت از زندگی
۰/۲۴۷	۰/۴۵۶	1	0/046	3/67	زندگی خوابگاهی و در جمع استعمال کنندگان فرار گرفتن
۰/۳۴۵	۰/۳۴۵	1	0/34	۲/۰۶۸	استعمال برای خودنمایی
۰/۴۴۳	۰/۴۵۶	1	۰/۰۴۱	۵/۷۳۹	عدم وجود راه‌های نیل به اهداف

## ۵. جمع بندی و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با استعمال دخانیات در بین دانشجویان دانشگاه خوارزمی بوده است. در این پژوهش ارتباط و تاندازه‌ای اثر متغیرهایی چون چالش و تنش در زندگی فردی و اجتماعی، احساس عدم رضایت از زندگی، زندگی خوابگاهی و حضور و ارتباط با استعمال‌کنندگان، مصرف برای خودنمایی و هم‌نمایی، از سوی دیگر وجود یا عدم وجود راه‌هایی تعریف شده و قابل حصول و نیل به اهداف در زندگی اجتماعی، بر رفتار استعمال دخانیات در بین دانشجویان دانشگاه خوارزمی مورد بررسی قرار گرفت.

در این گفتار ارتکاب به استعمال دخانیات از سوی افراد مورد بررسی نیز گونه‌ای رفتار اجتماعی و به تعبیر جامعه‌شناسانه، کنش اجتماعی محسوب می‌شود؛ زیرا در یک زمینه اجتماعی رخ می‌دهد. بر این پایه، از ابتدا نگاهی جانب‌دارانه در رد یا تأیید آن و به عبارت دیگر نگاه مثبت یا منفی حاکم نبوده است؛ بلکه این پدیده به عنوان یک کنش اجتماعی مورد نظر قرار گرفت که حداکثر از دیدگاه آسیب‌شناسی اجتماعی قابل مطالعه است. تأکید بر نگاه علمی و آسیب‌شناسانه، از آن روست که در هر جامعه فرهنگ غالب یا فرهنگ معیاری در بردارنده یک سلسله ارزش‌ها و هنجارها وجود دارد و از اعضا و افراد خود انتظار دارد طبق آن ارزش‌ها و هنجارها رفتار کنند. این ارزش‌ها و هنجارها در سطح سازمانی به نام دانشگاه نیز حضور دارند و چنانچه افرادی برخلاف آن ارزش‌ها عمل کنند، رفتارشان ضد هنجار شناخته می‌شود.

بر این اساس با توجه به پژوهش‌های پیشین و تئوری‌های علمی موجود در این زمینه، شش فرضیه مطرح و به محک تجربه زده شد. با استفاده از پیشینه تجربی و گمانه‌زنی‌های علمی محققان، پنج دسته از نظریه‌های مرتبط با موضوع شامل نظریه‌های آنومی مرتن، تئوری محرومیت، پیوند افتراقی، کنترل اجتماعی و خرده‌فرهنگ کچرو که تبیین‌کننده نظری مسئله مورد بررسی بودند، چهارچوب نظری بحث را تشکیل دادند.

1. P < .05

بر پایه یافته‌های تحقیق و در چهارچوب نظریه کنترل اجتماعی، می‌توان گفت بین وجود چالش و تنش در خانواده و رابطه شخصی فرد با دیگران با گرایش به استعمال دخانیات، رابطه وجود دارد. در مفاد این نظریه، نقش نظارتی خانواده و مدرسه به عنوان دو نهاد اجتماعی نظارتی تا حدی برجسته است، از این رو استنتاج این گزاره که دانشجویان مبتلا به مشکلات در زندگی شخصی و یا خانوادگی خود گرایش بیشتری به استعمال دخانیات دارند، پذیرفتنی است. یافته‌ها نشان داد دانشجویانی که دارای خانواده‌ای آرام و بدون درگیری و تنش هستند و از زندگی خود احساس رضایت دارند، با احتمال کمتری به استعمال دخانیات گرایش پیدا می‌کنند. برآیند اینکه مدیریت آرامش خانواده و منطقی بودن در احساس رضایت، می‌تواند تأثیر مثبتی در عدم تمایل و تمارس به استعمال دخانیات داشته باشد. این نتیجه، با دستاورد مطالعات حبیب‌پور کتابی (۱۳۹۸) و افراسیابی و مداحی (۱۳۹۵) همخوان است. بدین ترتیب مشخص می‌شود خانواده‌هایی که بتوانند برای دانشجویان خود شرایط آرام و به‌دوراز چالش و تنشی را فراهم کنند، احتمال گرایش آن‌ها به مصرف مواد دخانی را کاهش می‌دهند.

افزون بر آن، نتایج بررسی حاضر مبین این است که بین احساس محرومیت و عدم رضایت از زندگی با گرایش به استعمال دخانیات رابطه وجود دارد. سنجش این متغیر نه صرفاً محرومیت واقعی، بلکه احساس محرومیت را هم در برمی‌گیرد. بر این اساس اگر دانشجویان احساس محرومیت کند و یا از شرایط موجود ناراضی باشد (حتی اگر احساس محرومیت نسبی باشد)، احتمال گرایش فرد به استعمال دخانیات بیش از افرادی است که این عامل در بین آنان وجود ندارد. این نتیجه همچنین حاکی از قابلیت تبیینی این نظریه بر مسئله پژوهش است.

از آنجاکه یکی از موضوعات مهم در بررسی‌های جامعه‌شناختی، در نظر نگاه داشتن تأثیر شرایط اجتماعی و ساختار محیطی در بروز رفتار افراد جامعه است؛ تأکید اصلی این پژوهش بر بررسی شرایط پیش‌گفته به عنوان زمینه‌های بروز این مسئله اجتماعی بوده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که شرایط اجتماعی و محیط مناسب برای استعمال دخانیات، بر گرایش دانشجویان به استعمال مواد دخانی تأثیر دارد. از آن رو که محیط اجتماعی و شرایط محیطی در این پژوهش به معنای وسیع تعریف شده و معرف‌ها و شاخص‌های آن هم در تعریف عملیاتی و پرسشنامه پژوهش آمده است؛ شرایط محیطی یادشده، نوع روابط و آموزه‌های خانوادگی، وابستگی به گروه‌های دوستی و در دسترس بودن عامل یا ماده دخانی در محیط زندگی دانشجویان را که به نوعی در آموختن، برانگیختن و گرویدن آن‌ها به این رفتار مؤثر باشد را در برمی‌گیرد.

در همین راستا و بر پایه یافته‌های پژوهش، آشکار شد شرایط خوابگاه‌ها به گونه‌ای است که احتمال گرایش دانشجویان به استعمال مواد دخانی را افزایش می‌دهد و در نتیجه دانشجویان خوابگاهی در سنجش با دانشجویانی که با خانواده خود زندگی می‌کنند، با احتمال بیشتری مستعد استعمال دخانیات هستند. یافته‌های میدانی در این تحقیق، قابلیت تبیینی نظریه پیوند افتراقی از این مسئله را نشان می‌دهد؛ بدین معنا که فرضیه تنظیم‌شده بر اساس تئوری پیوند افتراقی، در آزمون آماری با

درجه اعتبار بالایی تأیید گردید و به عبارت دیگر در بررسی شرایط اجتماعی مشخص شد این متغیر بر رفتار فرهنگی دانشجویان تأثیر بسزایی دارد.

شاعر پراوژه ایران زمین «سعدی»، در یکی از سروده‌های نغز خود (سعدی، تصحیح فروغی: ۱۵) که به عنوان یک شبه نظریه معروف شده، چنین وضعیتی را به زیبایی تبیین کرده است:

با بدان یار گشت همسر لوط<sup>۱</sup>      خاندان نبوتش گم شد  
سگ اصحاب کهف روزی چند      پی نیکان گرفت و مردم شد

در جامعه مورد بررسی، این «بدان و نیکان» و به تعبیر دقیق شرایط و محیط اجتماعی، می‌تواند زندگی در خوابگاه، شرکت در مجالسی که استعمال دخانیات در آن‌ها صورت می‌گیرد و یا تأثیر پذیرفتن از جمع دوستان و هم‌قطاران باشد. یافته‌ها در این زمینه با نتایج پژوهش حبیب‌پور گتایی (۱۳۹۸) رحیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۵)، افراسیابی و مداحی (۱۳۹۵)، افراسیابی و همکاران (۱۳۹۴) و اید و همکاران (۲۰۱۵)، همسویی دارد.

در ادامه با بهره‌گیری از نظریه خرده‌فرهنگ کچ‌رو و تبیین آن از مسئله گرایش دانشجویان به استعمال دخانیات، این فرضیه مورد آزمون قرار گرفت که بین خرده‌فرهنگ جوانی با گرایش به استعمال دخانیات در بین افراد مورد بررسی، رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌ها گویای آن است که دانشجویان برای نشان دادن مخالفت خود با فرهنگ و شرایط غالب (با تأکید بر خرده‌فرهنگ خاص خود یعنی خرده‌فرهنگ جوانی)، زمینه و احتمال بیشتری نسبت به دیگر افراد جامعه برای گرایش به استعمال دخانیات دارند. به‌ویژه آن‌که خرده‌فرهنگ جوانی شامل رفتارهایی چون عصیان و سرپیچی از فرهنگ حاکم است. در این زمینه جوانان استعمال مواد دخانی را شیوه‌ای برای اعلام مخالفت خود با شرایط موجود و فرهنگ غالب می‌دانند.

دیدگاه نظری دیگری که برای چهارچوب نظری این پژوهش به کار گرفته شد، نظریه ساختاری کارکردی رابرت مرتن بود. بر پایه دیدگاه وی، ساختارهای اجتماعی ممکن است به‌گونه‌ای شکل گرفته باشند که راه‌ها و وسایل مناسب و هموار برای راه‌یافتن افراد به اهداف عالی فرهنگی تعبیه نشده باشد (عدم هماهنگی اهداف و ابزار)؛ از این رو افراد جامعه برای رسیدن به اهداف، ممکن است از ابزارها و راه‌هایی غیرمتعارف استفاده کنند یا حتی راه انزوا و کچ‌روی را پیش بگیرند. یافته‌های تحقیق درباره نقش عدم هماهنگی اهداف و روش‌های نیل به آن، نشان می‌دهد احتمال استعمال دخانیات توسط کسانی که باور دارند ساختارهای اجتماعی (جامعه) راه‌های رسیدن به اهداف را برایشان فراهم نساخته، در سنجش با دیگر افراد بالاتر است. این فرضیه درباره نمونه تحقیق مورد تأیید قرار گرفت؛ یعنی احتمال گرایش به مواد دخانی در بین دانشجویانی که تصور می‌کنند جامعه راه‌ها و ابزارهای لازم برای رسیدن آن‌ها به اهدافشان را فراهم کرده است چند برابر کمتر از دانشجویانی است که این احساس را ندارند. کاهش نابرابری اجتماعی و گسترش عدالت اجتماعی، به کاهش احساس

۱. در بعضی از نسخ، به جای مصرع اول چنین آمده است: «پسر نوح با بدان بنشست»

تبعیض و محرومیت منجر می‌شود و دانشجویان به این ترتیب کمتر به شیوه‌های ناهنجار برای رفع نیازهای خود یا به روش‌های مقاومتی روی می‌آورند. بدین ترتیب به دو روش محتمل است گرایش دانشجویان به استعمال دخانیات کاهش یابد؛ این‌که راه‌هایی برای رسیدن افراد به اهدافشان فراهم شود و یا این‌که افراد قانع شوند ابزار نیل به اهدافشان در جامعه وجود دارد.

این‌که درباره پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد مورد بررسی سخنی به میان نیامده، به این دلیل است که به طور مستقل مورد نظر محققان و جزو سؤالات و فرضیه‌های تحقیق نبوده و اصولاً از وضعیت مالی و پایگاه اجتماعی پاسخگویان پرسشی به عمل نیامده است. گرچه می‌توانست این متغیر هم در کنار متغیرهای اصلی مورد بررسی قرار گیرد، ولی برای احتراز از کثرت متغیرها این موضوع به تحقیقات بعدی سپرده شد.

با توجه به نتایج برآمده از پژوهش در ارتباط با متغیرهای مورد بررسی، پیشنهادهای زیر قابل طرح است:

- ایجاد محیط مناسب سکونت برای دانشجویان و مراقبت بیشتر در محیط دانشگاه توسط مسئولین مربوط به منظور تداوم کنترل و نظارت اجتماعی بر دانشجویان در راستای کنترل و نظارت خانواده؛
- کمک به دانشجویان در زمینه ایجاد احساس امنیت اقتصادی و پایگاه اجتماعی و تکریم شخصیت آنان به عنوان افرادی حساس و دارای نیازهای هویتی و اجتماعی؛
- درک شرایط روحی و روانی دانشجویان به عنوان جوانانی که از روحیه نقادی، اعتراض و گهگاهی عصیانگری برخوردارند و ایجاد فضایی برای تخلیه هیجانات مقتضای سن ایشان به عنوان «سوپاپ اطمینان» با استفاده از روش‌های آموزشی و تربیتی انعطاف‌پذیر؛
- به حداقل رساندن مشکلات درون خانوادگی و کاهش تنش‌های وارد شده از سوی خانواده‌ها بر دانشجویان، با بهره‌گیری از ظرفیت مرکز مشاوره دانشگاه یا دیگر زیرمجموعه‌های معاونت فرهنگی؛ به منظور برقراری ارتباط مستمر با خانواده دانشجویان و مداخله در رفع مشکلات ایشان.
- آموزش به دانشجویان در زمینه آگاهی از شرایط زندگی در محیط خوابگاه و مراقبت در زمینه ارتباط با افراد استعمال‌کننده دخانیات و برخورد آگاهانه با این افراد و همچنین ایجاد امکانات رفاهی و آسایشی لازم در محیط‌های دانشگاهی و خوابگاهی برای تأمین نیازهای روحی و روانی دانشجویان.

## منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۷۷). نظریه‌های انحرافات اجتماعی (چاپ اول). شیراز: رز.
- استوری، جان (۱۳۸۹). مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده. تهران: آگاه.
- افراسیابی، حسین و مداحی، جواد (۱۳۹۴). شناسایی و تبیین عوامل خوابگاهی در اعتیاد به سیگار دانشجویان (مطالعه کیفی).



- مقاله - ارائه شده به کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی، شیراز. بازیابی شده در ۱۲ مهر ۱۳۹۹
- انصاری، رضوان؛ خسروی، علیرضا و مختاری، محمدرضا (۱۳۸۶). شیوع و علل گرایش به سیگار در دانشجویان پزشکی. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، دوره ۹، شماره ۱: ۲۷-۲۱.
- بشیریان، سعید؛ فتحی، یداله و براتی، مجید (۱۳۹۳). مقایسه فرآیندهای درک کارآمدی و تهدید در پیش بینی مصرف سیگار در بین دانشجویان با بهره گیری از مدل فرآیند توسعه یافته موازی. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی همدان، دوره ۲۱، شماره ۱: ۶۵-۵۸.
- ترنر، ج. (۱۳۷۸). مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی. ترجمه فولادی، محمد و بختیاری، محمدعزیز. قم: موسسه فرهنگی و پژوهشی امام خمینی.
- حبیب پور گتایی، کرم و صفری شالی، رضا. (۱۳۹۵). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (چاپ ششم). تهران: لویه.
- حبیب پور گتایی، کرم (۱۳۹۸). انگاره مصرف دخانیات در بین نمونه‌ای از شهروندان تهران. مجله مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، پاییز و زمستان، شماره ۲: ۸۵-۱۰۹.
- خادمیان، طلیعه و قناعتیان، زهرا (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد زنان معتاد به مواد مخدر مراکز بازپروری و کاهش آسیب زنان شهر تهران. پژوهش نامه علوم اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴: ۸۵-۵۹.
- دواس، د. (۱۳۸۲). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییب. تهران: نی.
- رضاخانی مقدم، حامد؛ شجاعی زاده، داوود؛ صادقی، رؤیا؛ پهلوان زاده، باقر؛ شکوری مقدم، رؤیا و فاتحی، وحید. (۱۳۹۰). بررسی شیوع و علل گرایش به مصرف سیگار و قلیان در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران، فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده بهداشت یزد، دوره ۱۱، شماره ۴: ۱۱۳-۱۰۳.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۷). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران. تهران: سروش.
- سایت دنیای اقتصاد (۳ مهر، ۱۳۹۶) «مرگ سالانه ۵۰ هزار ایرانی به دلایلی دخانیات»، دسترسی در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۹۹، از <https://donya-e-eqtasad.com>
- سایت خبرگزاری ایسنا (۱۸ بهمن، ۱۳۹۶) «افزایش مصرف سیگار در بین دانشجویان»، دسترسی در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۹۹، از <https://www.isna.ir/news>
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی اجتماعی (انحرافات اجتماعی). تهران: انتشارات آوای نور.
- سخاوت، جعفر (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- سعدی، شیخ مصلح‌الدین محمد (۱۳۸۶). کلیات سعدی با تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: به‌نشر.
- سلیمی، صالح؛ علی‌پور، سکینه؛ عباسی، مریم؛ خردپور، لیلا؛ نیک‌نیا، لیلا؛ میرزپور، پرینسا؛ نادری، فاطمه؛ صمدی، لیلا؛ ون‌آبادی، نسرن؛ عبدی، آرزو و سمیعی، پرویز. (۱۳۸۵). پژوهشی کیفی بر علل گرایش نوجوانان ارومیه به سیگار، نشریه دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی، دوره ۱۶، شماره ۵۴: ۵۷-۴۳.
- شفرز، برنهارد (۱۳۸۳). مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت‌الله راسخ. تهران: نی.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: سمت.
- علیخواه، فردین و پورجعفری، متین. (۱۳۹۱). تأملی بر خرده‌فرهنگ جوانان: مطالعه‌ای درباره ماشین‌رانی نمایشی جوانان شهر رشت. نشریه راهبرد فرهنگ، دوره ۵، شماره ۲۰: ۱۷۵-۱۵۵.
- فروغ‌الدین‌عدل، اکبر. (۱۳۸۳). تأثیر هم‌نشینی و معاشرت در گروه هنجارشکن در گرایش جوانان به اعتیاد. فصل نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۵: ۳۳۴-۳۱۹.
- کرم‌پور، رزا. (۱۳۷۹). ارزیابی تحقیقات انجام گرفته در خصوص اعتیاد و مصرف مواد مخدر در ستاد مبارزه با مواد مخدر. نشریه ژرفای تربیت، دوره ۲، شماره ۱۰: ۱۱-۱۰.

- مروی زاده، معصومه. (۱۳۹۵). بررسی رابطه انگیزه‌های مصرف سیگار و قلیان با افسردگی، کیفیت روابط و حمایت اجتماعی دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- مشکانی، محمدرضا و مشکانی، زهراسادات. (۱۳۸۱). سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۲: ۲۵-۳.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشارات.
- Byeon, H. (2015). Association among smoking, depression, and anxiety: findings from a representative sample of Korean adolescents. *The journal of PeerJ* 3: e1288; <https://doi.org/10.7717/peerj.1288>
- Collins, W. A. (2009). Relationships and development during adolescence: Interpersonal adaptation to individual change. *The journal of Personal Relationships*, 4, 1-14. <https://doi.org/10.1111/j.1475-6811.1997.tb00126.x>
- Cooper M L. Alcohol use and risky sexual behavior among college students and youth: Evaluating the evidence. *Journal of Studies on Alcohol/ Supplement* 2002; 14(2): 101-117. <https://doi.org/10.15288/jsas.2002.s14.101>
- Eid, K. Samah, S. Dalia, A. El-sayed, A. (2015). Smoking problem among Helwan University students: Practical versus theoretical faculty. *The Journal of Chest Diseases and Tuberculosis*. (64) 2: 379-385. <https://doi.org/10.1016/j.ejcdt.2014.12.005>
- Hebdige, D. (1979). *Subculture: The Meaning of Style*. London: Methuen Horon, Paul b, and Hunt Chesyer, 1987, Sociology
- Lippold, M, Greenberg, T, Collins, M. (2012). Parental Knowledge and Youth Risky Behavior: A Person Oriented Approach. *The Journal of Youth and Adolescence*, 12, 123-314. <https://doi.org/10.1007/s10964-012-9893-1>
- Merton, Robert, 1968 *Social Theory and Social Structure*. Fress Press, Glencoe (earlier editions 1949 and 1957).
- Merton, Robert, 1976, "Social Problems and Sociological Theory", In Rebert K. Merton and Robert A. Nisbet (eds.), *Contemporary Social Problems*. Harcourt Brace Jovanovich, New York (Previous editions: 1961, 1966, 1971), pp, 3-43.
- Peng, Ch and So, T. (2002). *Logistic Regression Analysis and Reporting: A Primer, Understanding Statistics*, Lawrence Erlbaum Associates Inc. 1:1, 31-70. [https://doi.org/10.1207/S15328031US0101\\_04](https://doi.org/10.1207/S15328031US0101_04)
- Mahiny, A, Turner, B. (2003). Modeling past vegetation change through remote sensing and g.i.s: a comparison of neural networks and logistic regression methods. *School of Resources, Environment and Society, the Australian National University, Canberra, Australia*. <https://doi.org/10.1.1.332.7305>
- Siegel, Larry J., 2001. "Criminology: Theories, Patterns and Typologies". Wadsworth, A division of Thomson Learning, Inc. Web: <http://www.thomsonrights.com>.
- WHO Regional Office for Europe (2017) *European Tobacco Use: Trends report*. Available on: <http://www.euro.who.int/en/health-topics/diseaseprevention/tobacco>.